

از کتاب زین الاخبار

باب هشتم اندر جدول تواریخ خلفا و ملوک اسلام

چون از اخبار عجم پیرداختم اکنون اندر تواریخ (۱) خلفا و ملوک اسلام گوئیم و انساب و احوال ایشان، هم بر آن جمله که اندر کتب یافته ایم و ابتدای آن دولت از نسب (۲) پیغمبر ما محمد رسول الله، صلی الله علیه وسلم (۳)، کنیم که اورا ابوالقاسم محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب بن مرة بن کعب بن لؤی بن غالب بن فهر (۴) بن مالک بن نضر (۵) ابن کنانة [ص ۲۳ آ] بن خزیمه (۶) بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن (۷) عدنان و تمامی نسب (۸) آنحضرت تا آدم علیه السلام اندر شجره انساب بیاوردیم و مادر او آمنه بنت وهب بن عبدمناف بن زهره بن کلاب بن مرة بن کعب ابن لؤی بود و جد او، که مادر عبدالله بود، فاطمه بنت عمر بن عامر (۹) بن عمران ابن مخزوم (۱۰) بود و جد او، که [مادر] آمنه بود، بره بنت عبدالعزی بن عثمان بن عبدالدار بود. اورا، صلی الله علیه وسلم (۱۱)، برادر نبود و خواهر نبود و من عمان و عمتان و زنان و فرزندان و غزوها و ستوران (۱۲) اورا بجدول آوردم و جدول اینست که اینجا کشیده شده است (۱۳) [ص ۲۳ ب]:

عمان او: العباس (۱۴)، حمزه، ابوطالب، ابولهب، الفیداق (۱۵)، المقوم (۱۶)، ضرار (۱۷)، الزبیر، قثم (۱۸)، حارث.

(۱) دراصل: تواریخ (۲) دراصل: نسبت (۳) دراصل: هلیهو سلم (۴) در اصل: مهر (۵) دراصل: نصر (۶) دراصل: خزیمه (۷) دراصل: ابن (۸) دراصل: نسبت (۹) دراصل: عامد (۱۰) دراصل: محروم (۱۱) دراصل: علیهو سلم (۱۲) در اصل: غزوه های ستوران (۱۳) دراصل جدول بسیار مغشوشست و کاتب اسامی و کلمات را در خانهای که جای آنها نیست نوشته است ناچار رعایت جدول را نکردم و بهمان ترتیبی که مؤلف در آغاز جا داده است مطالب را دنبال یک دیگر آوردم (۱۴) دراصل: الیاس (۱۵) دراصل: الفیلان (۱۶) دراصل: المعومه (۱۷) دراصل: ضرار (۱۸) در اصل: مسم

عثمان (۱) او : امیمة ، ام حکیم ، بره (۲) ، عانکه ، اروی (۳) ، حجلا (۴) ، صفیه (۵) .

زنان او : خدیجه ، عایشه (۶) ، حفصه ؛ ام حبیبیه (۷) ، سوده ، ام سلمه ، زینب ، میمونہ ، جویریہ (۸) ، [صفیہ] ، ماریہ ، ام شریک (۹) ، خولہ (۱۰) ، امیہ ، زینب .

پدر زنان او : خویلد ، ابی بکر صدیق ، عمر الفاروق ، ابوسفیان ، زمعه (۱۱) ، [ابی] امیہ (۱۲) ، حجش (۱۳) ، الحارث ، [الحارث] ، حیو (۱۴) ، عبدالله ، لا (۱۵) ، ہذیل (۱۶) ، نعمان (۱۷) ، [خزیمہ] (۱۸) .

قبیلہای زنان : قریش ، قریش ، قریش ، قریش ، قریش ، قریش ، بنی اسد مضر (۱۹) ، بنی ہلال مضر (۱۹) ، بنی شیبان (۲۰) ، قبطیہ ، [بنی] سالم (۲۱) ، کندیہ ، مضر .

فرزندان او : القاسم ، عبدالله ، الطیب ، الطاهر ، فاطمہ ، زینب ، رقیہ ، ام کلثوم ، ابراہیم .

ستوران او : سبک ، ملاوح ، مرتجز (۲۲) ، لزاز (۲۳) ، ظرب (۲۴) ، مندوب (۲۵) ، اللحیف ، ورد ، قصواء (۲۶) ، عضباء (۲۷) ، شہباء (۲۸) ، لیفور (۲۹) ، دلند .

اجناس ستوران : اسب (۳۰) ، اسب ، اسب ، اسب ، اسب ، [اسب] .

(۱) دراصل: عثمان (۲) دراصل: مرہ (۳) دراصل: ردی (۴) دراصل: صفہ (بی نقطه) (۵) در اصل: صفسہ (۶) دراصل: عابسه (۷) دراصل: ام حبیب (۸) دراصل نقطه ندارد (۹) دراصل: ام سومك (۱۰) دراصل: حوله (۱۱) دراصل: زمعه (۱۲) دراصل: لیمه (۱۳) دراصل: ممس (۱۴) دراصل: حسین (۱۵) دراصل: جنینست و پیدا است که نام پدر امریک را نمیدانسته (۱۶) دراصل: دوخط عمودی موازی کشیده شده که مقصود از آن معلوم نیست و شاید عطف بکلمه «لا» در خانه بالا باشد یعنی که نام او معلوم نیست (۱۷) دراصل: حکیم و نعمان که نام پدر امیہ بوده است در خانه پایین در برابر نام زینب نوشته شده (۱۸) در اصل: النعمان (بی نقطه) و پیدا است که کاتب بجای آنکه در خانه بالا بنویسد درین خانه نوشته است ، پس ازین درستون آخر تنها در خانه پدر زنان رسول «الحرت» و پس از آن «سرسار» نوشته شده و پیدا است که کاتب نامی را که در خانه دیگری بایست بنویسد در اینجا نوشته است زیرا که در میان زنان رسول تنها جویریہ و میمونہ پدرشان «حارث» یا «حرت» نام داشته و پیدا است که «سرسار» هم تحریفی از «بنی شیبان» است (۱۹) دراصل: مصر (۲۰) دراصل: برسارہ (۲۱) دراصل: سام (۲۲) دراصل: مولجد (۲۳) دراصل: الرار (۲۴) دراصل: طرب (۲۵) دراصل: لعلوب (۲۶) دراصل: لصوا (۲۷) دراصل: غضبا (۲۸) دراصل: مها (۲۹) در اصل: فغفور (۳۰) دراصل: الب

اسب ، اسب ، استر ، استر (۱) ، استر ، [دراز گوش] ، استر .

مولایان او : [اسامه بن] زید بن (۲) حارثه ، [ابن] ام ایمن (۳) ،

اسامه ، ابورافع ، سفینه (۴) ، ثوبان (۵) ، هشام (۶) ، مهران (۷) .

غزوهای (۸) او : بدرالاولی ، احد ، بدرالثانی (۹) ، خندق (۱۰) ،

بنی قریظہ (۱۱) ، خیبر (۱۲) ، فتح مکہ ، حنین (۱۳) ، طایف ، تبوک (۱۴) ،

نجران (۱۵) ، بنی النضیر (۱۶) ، ذات الرقاع (۱۷) ، بنی (۱۸) لحيان ، بنی (۱۸) قینقاع (۱۹) .

[ص ۲۴ ب] (۲۰) و نقش انگشتر بن او (۲۱) «محمد رسول [الله]»

صلی الله علیه وسلم (۲۲) بود ، بسه سطر و انگشتر بن او از آهن بود ، سیم

بروی پیچیده و شمشیر او «ذوالفقار» بود نامش وزره او «ذات الفصول» نام

بود و حاجب او (۲۳) انس بود ، مولای بود و وزیر او ابوبکر صدیق و عمر بن

الخطاب بود ، رضی الله تعالی عنهما (۲۴) و مولود او ، صلی الله علیه وسلم ، روز

دوشنبه بود و دوازدهم ماه رمضان ، بوقت سپیده دم ، اندر عام فیل و نه سال گذشته

از پادشاهی نوشروان العادل و دوسال از ملک عمر بن هند ملک حیره (۲۵) و

پدرش فرمان یافت و او (۲۶) دوماهه بود و مادرش فرمان یافت او چهار ساله

بود و او را جدش پرورد ، عبدالمطلب و چون بمرد پیغمبر ما ، صلی الله علیه و

آله وسلم ، هشت ساله بود ، او را بابو طالب پسر خویش سپرد و کعبه بنا کردند ،

بنی قریش و مکیان (۲۷) . پیغمبر ما ، صلی الله علیه وسلم ، سی و پنج (۲۸) ساله

بود ، پس خلاف افتاد میان مکیان (۲۷) ، از جهت بنای (۲۹) او ، اتفاق بر آن

جمله (۳۰) کردند که از هر دو گروه (۳۱) یک تنی گوشه ردا بگیرد و سنک را ، که

بنا خواهند افکند ، بران ردانهند و پس محمد ، صلی الله علیه و آله وسلم ، آن

سنک را بر اساس خانه نهد و چنین کردند و چون چهل (۳۲) ساله شد وحی آمد ،

سوی وی ، از آسمان و قرآن بروی فرود آمد ، روز دوشنبه ماه ربیع الاول و از

پس آمدن وحی سیزده سال بمکه آمد ، پس هجرت کرد و بمدینه آمد ، روز

(۱) دراصل: اشتر (۲) دراصل: رندین (۳) دراصل: ام مین (۴) دراصل: سفیه

(۵) دراصل: لومان (۶) دراصل: لسیار (۷) دراصل: سران (۸) دراصل: عردهای

(۹) دراصل: اللیالی (۱۰) دراصل: حدو (۱۱) دراصل: قریظہ (۱۲) دراصل: خیبر

(۱۳) دراصل: حسین (۱۴) دراصل: بتوک (۱۵) دراصل: لحران (۱۶) دراصل: النصر

(۱۷) دراصل: داب الرماع (۱۸) دراصل نقطه ندارد (۱۹) دراصل: المظالم (۲۰) ص

۲۲۴ دراصل سفید مانده است (۲۱) دراصل: او انگشتر بن او (۲۲) دراصل: علیہ وسلم

(۲۳) دراصل: حاجب و (۲۴) دراصل: غهما (۲۵) دراصل: حبره (۲۶) دراصل: او و (۲۷) دراصل نقطه ندارد (۲۸) دراصل: سی سال و پنج (۲۹) دراصل: بنار (بی نقطه) (۳۰) دراصل: حمه (۳۱) دراصل: هرود ده (۳۲) دراصل: حهل

[ص ۲۶ ب] باب نهم (۱) اندر اخبار ملوک اسلام

ابو بکر صدیق و [او] ابوبکر عبدالله بن عثمان بن عامر بن عمرو بن کعب بن سعد بن تیم بن مرة بن [کعب بن] لؤی بن (۲) غالب بود و آن روز که رسول، صلی الله علیه و سلم (۳)، فرمان یافت و بخلافت بنشست، اندر سقیفه (۴) بنی ساعده و عمر بن الخطاب، رضی الله عنه، بروی نماز کرد و او را اندر جاهلیت عبد الکعب نام بود چون در مسلمانی آمد رسول، صلی الله علیه و سلم (۳)، او را عبدالله نام کرد و بایام (۵) او اندر اهل یمامه [و] اهل ردت (۶) مرتد شدند، از جهة دادن زکوة ابا (۷) کردند و او جهاد کرد و مردم بسیار از ایشان بکشت، تا بطاعت آمدند و توبه کردند و عمر بن الخطاب را، اندر سنه احدی عشر، بفرستاد تاحج بکرد و یمامه را او گشاد و مسیلمة الکذاب (۸) را و اسود العنسی (۹) را او کشت و اندر سنه اثنی عشر حج بکرد و چون بمدینه رسید لشکر بشام فرستاد، اندر سنه ثلث عشر و چون او بمرد ایشان از راه باز گشتند و فرزندان او، رضی الله عنه، عبدالله [و] عبدالرحمن [و] محمد و اسماء [و] ام کلثوم] و عایشه بودند.

عمر بن الخطاب و [او] ابو حفص (۱۰) عمر بن الخطاب بن نفیل (۱۱) بن عبد العزی بن ریحان بن عبدالله بن قرط بن رزاح (۱۲) بن عدی بن کعب بن لؤی بن غالب (۱۳) بن فهر بود و ندای حق بر در کعبه او آشکار کرد و فرق کرد میان حق و باطل، بدین سبب او را فاروق لقب کردند و اندر خلافت او فتحها بسیار در مسلمانان را بر آمد و جایها بسیار گشاده شد، چون بیت المقدس و دمشق گشاده شد، بردست خالد بن الولید بصلح و میسان و یرموک (۱۴) و اهو از (۱۵) [از] شهرها (۱۶) گشاده شد، بردست ابو موسی الاشعری و نپاوند گشاده شد، بردست نعمان بن مقرن و حرب قادسیه بروز گار او بود، که خالد بن الولید بیامد و لشکر او پیش عجم (۱۷) آمد و بدشت قادسیه بر او یغختند و سپاه [ص ۲۷] عجم هزیمت شدند و یزدجرد بن شهریار، که ملک عجم بود، بگریخت و خالد ابن الولید بیامد و عراق را فتح کرد و گنجهای ملوک عجم را که از چهار هزار سال باز (۱۸) نهاده بودند همه برداشت و آنچه نصیب عمر آمد بمدینه فرستاد

(۱) در اصل بیش ازین عنوان کاتب «بن عامر بن» نوشته و بیداست که دو کلمه اول سطر بعد را تکرار کرده است. (۲) در اصل: ابن (۳) در اصل: علی و سلم (۴) در اصل: سقیفه (۵) در اصل: ایام (۶) در اصل: بنی روت (۷) در اصل: ایبا (۸) در اصل: مسیلمة الکذاب (۹) در اصل: العینی (۱۰) در اصل: حفص (۱۱) در اصل: فضیل (۱۲) در اصل: عبد العزی بن فرط بن رماح بن عبدالله بن رزاح (۱۳) در اصل: کعب (۱۴) در اصل: برمیل (۱۵) در اصل: آواز (۱۶) در اصل: شهرها و (۱۷) در اصل: لشکر پیش عجم او (۱۸) در اصل: مار

و فتح عراق اندر سنه تمان عشر بود و فرزندان او عبدالله و حفصه (۱) و عبدالله و عاصم و فاطمه و ابوشحمه [و] عبدالرحمن [وزید] بودند و او را ابو-لولوه غلام مغیره کشت.

عثمان بن عفان، ابوعمر و عثمان بن عفان بن ابی العاص بن امیه بنت عبد الشمس بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مره بود و کنیت او ابو عبدالله نیز بود و او بدو دختر مر رسول، صلی الله علیه و سلم (۲)، داماد بود و سخت منع بود و چون بخلافت بنشست نخستین سپاه بری فرستاد، با ابو موسی الاشعری و آن را بگشادند. پس اسکندریه بگشاد، پس نیشابور (۳)، پس افریقیه، پس قبرس، از جاهای (۴) دریای روم، پس مرو (۵) گشاده شده بردست عبد الرحمن (۶) ابن عامر بن کریز (۷) و فرزندان او عبدالله الاکبر بود و عبدالله الاصغر و عمر و ابان (۸) و خالد و عمرو و سعید (۹) و ام سعید و مغیره و عبد الملک و ام ابان (۱۰) و ام عمرو (۱۱) و عایشه [و مریم و ام البنین] بودند و او اندر خانه خویش نشسته بود که غوغا بیامدند و قصد او کردند و خانه بروی حصار کردند. پس غوغا اندر افتاد و او را بکشتند و او جامع قرآن پیش نهاده بود و قرآن همی خواند و او را بکشتند، آن جامع از خون او بیالود و تا بدین غایت هم چنان مانده است و قرآن او جمع کرد و ترتیب نهاد و مال غنایم بیت المال آوردن او بنهاد (۱۲) و لشکر را بیستگانی (۱۳) کرد و دخل بیت المال را اندر خزینه نهاد.

علی بن ابی طالب کرم الله وجهه [و] رضی الله عنه، ابو الحسن علی بن ابی طالب بن عبد المطلب بن هاشم بود، پسر عم رسول الله، صلی الله علیه و آله و سلم و لقب او حیدر (۱۴) الکرار بود و نخستین کسی که بر پیغمبر ص بگروید [ص ۲۷ ب] و اندر مسلمانی آمد او بود و مبارز اسلام بود و شمشیر [در راه] دین بزد و چنین گویند که: هرگز هیچ جانوری را بیش از یک زخم نزده بود، الا بزخم نخستین کشت و فرزندان او حسن و حسین و محسن و ام کلثوم الاکبر و زینب الاکبر، این همه از فاطمه بنت رسول الله، صلی الله علیه و سلم (۱۵) بودند و محمد و عبدالله و ابابکر و عمر و رقیه (۱۶) و یحیی و جعفر و عباس و عبدالله و رمله و ام الحسن و ام کلثوم الاصغر و جمانه (۱۷) و میمونه و خدیجه و فاطمه و ام الکرام و نفیسه (۱۸) و ام سلمه و ام اییها (۱۹)

(۱) در اصل: حفصه (۲) در اصل: علی و سلم (۳) در اصل: شاپور (۴) در اصل: قبرش از ساها (۵) در اصل: مرد (۶) در اصل: عبدالله (۷) در اصل: کرمه (۸) در اصل: امات (۹) در اصل: خالد و عمیر و سعد و ولید (۱۰) در اصل: امان (۱۱) در اصل: ام عمیر (۱۲) در اصل: آوردند او بنهد (۱۳) در اصل: بیشگانی (۱۴) در اصل: حیدر (۱۵) در اصل: علی و سلم (۱۶) در اصل: رقیه (۱۷) در اصل: جمانه (۱۸) در اصل: نقطه ندارد (۱۹) در اصل: امام و ام اینها

[و محمد الحنفیه و عبد الرحمن و عثمان و عمر و اصغر و عون و صالح و زینب الاصفی و همسه و ام یعلی و ام عبدالله و ام جعفر و فاطمة کبری و ام هانی و لبابه و امة الله و تقیه] از زنان دیگر بوده و حرب جمل (۱) او کرده ، اندر سنه ست و ثلثین و حرب صفین (۲) او کرده اندر سبع و ثلثین و با معویه و شامیان و معویه با وی بسیار حیلتها کرد و زرق کرد (۳) و عمرو بن العاص تدبیرها کرد ، از بهر معاویه و معاویه با اشاره او تلبیسهها (۴) کرد ، تاملک بگرفتند و پیغمبر ما ، صلی الله علیه و آله و سلم ، او را بستور و گفت : « الحسن و الحسین سیدی (۵) شباب اهل الجنة و ابوهما خیر منهما (۶) » یعنی : الحسن و الحسین و ابوهما علی خیر منهما (۷) و بسیار خیر (۸) آمده است ، اندر فضل او و آیت آمده است اندر شان او ، رضی الله عنه . آخر کشته شد و شهادت یافت بردست عبدالرحمن ابن ملجم المرادی .

الحسن بن علی بن ابی طالب ؛ کنیت او ابو محمد و او نبیره پیغمبر بود ، صلی الله علیه و آله و سلم و گزیده خدای عزوجل بود و ستوده رسول ، صلی الله علیه و آله و سلم و چنین گویند که هیچ کس بصورت پیغمبر ، صلی الله علیه و آله و سلم ، مانده تر (۹) از وی نبود و بیعت کردند او را بکوفه ، بجای (۱۰) ، که او را مسکن گویند و معویه امیر شام بود و بمسکن آمدند و سفیران (۱۱) و میانچیان در میان شدند و همی بگفتند تا حسن را بشیمان کردند و چون حسن دانست که با معاویه بحیلت و تلبیس مقاومت نتواند کرد [ص ۲۸ آ] اجابت کرد و کار بدو سپرد و نه بر مراد خویشتن (۱۲) و چون این قرار بیفتاد ، معویه سوی شام رفت و حسن سوی مدینه باز شد و مغیره بن شعبه (۱۳) را بر کوفه امیر کرد و عبدالله بن عامر را بر بصره و چنین گویند که : معویه ، مرزن حسن ، نام او جعد بن الاشعث بن قیس الکندیه را ، پانصد هزار درم پذیرفت تا او مرحن حسن را زهر داد و اندرو کار کرد و از آن زهر خوردن بمرد .

ب (۲۱)	ثمان و تسین	سی و نه	عزمن قلع	رقبه (۴)	لیت بن [بی]	مؤمن بن ولای او	لیلی بنت عاصم	نور دایج (۴)	عمر بن عبد العزیز (۴)	بو حنص	[بیج] (۷)
ج (۲۰)	ست و تسین	سی و هشت	آمنت بالله مخلصا	تیسر (۴)	سلیمان بن	ابو عبیده (۱۷)	ام الولید بنت العباس	نبود	شیمان بن عبد الملك	ابو ایوب	ب
ی [۵]	ست و ثمانین	چهل	یا ولیدات میت	(۱۶)	ققاق البسی	سعد	ولاده بنت عباس	نبود	عبد الملك بن الولید بن عبد الملك	ابو العباس	یا
کا (۱۹)	خمس و تسین	هفتاد و یک	لکل امل کتاب	سر جون (۸)	لوساس (۱۵)	عایشه بنت معاویه	ابو الزیاد (۱۴)	مروان	عبد الملك بن مروان	ابو الولید (۱۳)	ی [۷]
[۱]	ذیقده اربع و تسین	شصت و سه (۱۲)	العرة لله	سر جون (۸)	ابو سهل (۱۱)	آمنه (۴) بنت علقمه	خط باطل (۱۰)	الحکم	عبد الملك بن مروان (۹)	ابو عبدالله	ط (۶)
ته ماه (۱۸)	محرّم [اربع] و تسین	یست و یک	الله اعلی	سر جون (۸)	صفوان	ام هاشم بنت هاشم	نبود (۴)	معاویة بن یزید (۴)	ابولیلی	ح (۵)	عدد ها (۱)
مدت خلافت	ابتدای خلافت	مدتهای عمر	مهر انگشتر زن ها	دیران (۴)	حاجیان (۳)	نامهای مادران	لقنها (۲)	نامها و نسبتها	کتابها	عدد ها (۱)	

(۱) کاتب این جدول را بیش از باب نهم پس از جدول خلفای راشدین در [ص ۲۵ ب] نوشته است . (۲) در اصل کاتب عنوان این ستون را در ستون نهم نوشته ولی مطلب را بجای خود آورده است (۳) در اصل : حاحان (۴) در اصل نقطه ندارد (۵) در اصل : ط و این دو ستون را کاتب پس و پیش نوشته است یعنی نخست مروان بن حکم و سپس معاویه بن یزید را نوشته (۶) در اصل : ح (۷) در اصل سفید مانده است (۸) در اصل : سو چون (۹) در اصل : یزدان (۱۰) در اصل چنینست و گویا مراد کاتب اینست که چون این خلفا هیچ يك لقب نداشته اند این خط (ستون) باطلست (۱۱) در اصل : لوسهل (۱۲) کاتب مطلب این خانه و خانه بعد از پس و پیش نوشته (۱۳) در اصل : ابو الولید ، کاتب این ستون و ستون ولید بن عبد الملك را باز پس و پیش نوشته است (۱۴) در اصل نقطه ندارد و بظان اصلاح شد (۱۵) در اصل چنینست و اصلاح ممکن نشد (۱۶) در اصل : ققمعاع العسی (۱۷) در اصل : عبده (۱۸) در اصل : ه (۱۹) در اصل : ط (۲۰) در اصل : ر (۲۱) در اصل : ر ه

(۱) در اصل : حمل (۲) در اصل : حرب و صفین (۳) در اصل : کردند و ذرع کردند (۴) در اصل : پاسها (۵) در اصل : این بدان رسید (۶) در اصل : منها (۷) در اصل : و علی خیر منها (۸) در اصل : خیر (۹) در اصل : مانند تر (۱۰) در اصل : بجای (۱۱) در اصل : سقران (۱۲) در اصل : خویشتن نزع ، شاید چیزی از نسخه افتاده باشد (۱۳) در اصل : این شعبه

عدد ما (۱)	ز (۵)	ح (۱۱۱)	ط (۱۵)	[۵]	یا (۱۹)	یب (۲۱)
کتابها (۲)	ابو خالد	ابو الولید (۲)	ابو العباس	ابو الخطاب (۲)	ابو اسحاق	ابو عبد الملك
نامها و نسبتها	یزید بن عبد الملک (۲)	هشام بن عبد الملک	الولید بن یزید (۲)	ابو اسحاق	ابو اسحاق	مروان بن محمد
لقبها	نبود (۲)	نبود (۲)	العاثق (۲)	الناقص	مخلوع (۲)	البحار
نامهای مادران	عاتکه (۶) بنت یزید (۲)	عایشه بنت هاشم	ام الحجاج بنت محمد (۱۲)	سریه	سریه	لیا (۲)
حاجان	[سجید مولای او] (۷)	خالد بن عبدالله النستری (۱۲)	قطب مولای او گمرین (۱۷)	قطب مولای پدرش (۲) عبد الحمید بن یحیی (۷)	قطب مولای پدرش (۲) عبد الحمید بن یحیی (۷)	صفلاب (۲۳) عبد الحمید بن یحیی (۲)
دیران (۲)	اسامه (۸) بن زید	سلام	گمرین (۱۷)	تفیم (۲) القادر الله	الفرقة لله (۲)	توگلی علی خالفی (۲)
مهر انگشترها	قنی الحساب (۹)	الحکم للحکیم (۱۳)	چهار و چهار	تفیم (۲) القادر الله	الفرقة لله (۲)	توگلی علی خالفی (۲)
مدت عمر (۳)	تیسست و یک	پنجاه و دو	تفیم (۲) القادر الله	تفیم (۲) القادر الله	سی و دو	چهل و یک
[ابتدای خلافت] (۴)	اصدی و ماهه	ماهه و خیمه	مائه و خیمه عشرین	مائه و خیمه و عشرین (۱۸)	مائه و ست و عشرین	مائه و سی و عشرین
مدت خلافت	د (۱۰)	ک (۱۴)	۱ (۲۰)	ه (۲۳)

(۱) در اصل کتاب ابن جدول را در [ص ۲۶۲] نوشته است (۲) در اصل نقطه ندارد (۳) در اصل: عمرو (۴) در اصل کتاب عنوان خانه بعدرا اینجا نوشته و مطاب هر دو خانه را هر جا که نوشته زیر هم ثبت کرده است (۵) در اصل: م (۶) در اصل: عاکمه (۷) در اصل مطلب خانه بالا تکرار شده (۸) در اصل: اسام (۹) بضبط مسعودی در کتاب التنبیه والاشراف، در اصل: ۶۶۱ بجعل يوم القيامة (بی نقطه) (۱۰) در اصل: وط ط (۱۱) در اصل: له (۱۲) در کتاب التنبیه والاشراف: غالب مولا (۱۳) در اصل: الحکم الحکم الحکیم (۱۴) در اصل: قطط (۱۵) در اصل: لو (۱۶) در اصل: ام محمد بن محمد (۱۷) در اصل چنینست و اصلاح ممکن نشد (۱۸) در اصل: عشرین غره (۱۹) در اصل: قح (۲۰) در اصل: ه بی (۲۱) در اصل: قط (۲۲) در اصل: سقلاب (بی نقطه) (۲۳) در اصل: ه ه ی.